

ارتباط با اولیاء بهره‌گیری از تواناییها و امکانات آنان ②



۴- نقش معلمان در رابطه با انجمن اولیاء و مربیان

معمول اینستکه در جلسات اولیاء و مربیان که سالی دوسه دفعه هم بیشتر تشکیل نمی شود معلمان شرکت چشمگیری ندارند و این امر چند علت دارد:

یکی اینکه دلیلی برای شرکت بایستی موجود باشد، مثلا "مدیر آنها را دعوت کند.

دوم اینکه نقشی به آنها واگذار نمی‌شود

نامحرکی برای شرکت پیدا کنند.

سوم اینکه روال اداری ما طوری پایه ریزی شده است که کارمند و از جمله معلم راهس وقت می‌آید و بلافاصله در انتهای وقت محل کارش را ترک می‌کند، و دلیلی نمی بیند که زودتر بیاید و دیرتر برود.

چهارم، معمولا " یکی از انگیزه‌های همکاری منافع مادی است. از طریق انجمن، منفعتی مادی هم حاصل معلمان نمی شود.

پنجم، خستگی کار تدریس، و کارهای

۵ - راهنمایی اولیائی که در رابطه با فرزندشان مسأله‌ای دارند .

۶ - ارشاد اولیاء برای اینکه بدانند از بچه‌ها درخانه چطور مراقبت کنند تا شاگردان تکالیف خود را بخوبی انجام بدهند .

۷ - هر معلم اولیاء شاگردان مربوط به کلاس خود را به همان کلاسی که روزها درس می دهد برسد ، و اطلاعاتی که دانستن آنها برای اولیاء ثمر بخش است ، به آنان بدهد ، و ارشاداتی از لحاظ مسائل آموزشی و از جهت موضوعات تربیتی بنماید .

۵ - "توانائیهای اولیاء در رابطه با کمک به مدرسه"

اگر بخواهیم اولیاء شاگردان مدرسه را از لحاظ مشاغلی که بدان اشتغال دارند ، طبقه بندی کنیم ، صدها نوع شغل دارند . اما چنانچه بخواهیم در کمتر از ده نوع شغل آنها را طبقه بندی کنیم و اینکار را بصورتی بسیار کلی ارائه نماییم ، شامل طبقات زیر می شوند :

- ۱ - صنعتگر
- ۲ - هنرمند
- ۳ - پیشه‌ور
- ۴ - زارع
- ۵ - فنی
- ۶ - کارمند
- ۷ - روحانی
- ۸ - پزشک و نظایر اینها .

بدیهی است در هر کدام از طبقات فوق‌دهه مشغله یافت می شوند . مثلاً " وقتی کارمندی دولت را بعنوان یک شغل نام ببریم ، و یک طبقه بدانیم علاوه بر اینکه کارمندان ضماً در تمام مشاغل ۷ گانه فوق‌الذکر قرار می گیرند خود به تعداد وزارتخانه‌ها قابل تقسیم اند . مثلاً " شغل کارمند وزارت نیرو ، با کارمند گمرک و او با کارمند وزارت بهداشتی و او با امسر نیروی هوائی و زمینی متفاوت است ، اما

خانوادگی و شخصی معلم هم از جمله عوامل عدم توقف او بعد از پایان وقت و شرکت در کارهای فوق برنامه و از جمله شرکت در انجمن همکاری اولیاء و مربیان است .

ششم اینکه مدیر ارتباط با اولیاء را حق خودش می داند و حضور معلمان را مانع و مزاحم تلقی می کند .

هفتم ، معلم نمی داند که وجود انجمن اولیاء و مربیان اثری در فعالیتهای آموزشی و تربیتی او داراست .

در نتیجه عوامل فوق وقتی که معلمان دعوتی جدی و رسمی از سوی هیأت مدیره انجمن اولیاء و مربیان نداشته باشند ، یا مسئولیتی از سوی مدیر مدرسه به عهده آنها گذاشته نشود دلیلی نمی بینند که در جلسات انجمن شرکت فعال داشته باشند ، بلکه اگر باطنا "هم‌علاقند به خدمت در راه تربیت شاگردان و ارشاد اولیاء اطفال باشند ، روئی ندارند که شرکت کنند بالاتر اینکه احساس کوچکی می کنند که بدون دلیل شرکت جویند . برای معلمان به توسط مدیر و مشاوران هیأت مدیره انجمن اولیاء و مربیان ، باید مسئولیتهائی معلوم شود ، تا به نوبت هر کدام در جلسه نقشی داشته باشند .

آنچه در رابطه با اولیاء از عهده معلمان ساخته است

- ۱ - اداره جلسات از لحاظ شکل صوری تنظیم برق ، آب ، بلندگو ، تزئینات
- ۲ - سخنرانی در جلسه ، یک یا دو نفر از معلمان می توانند چند دقیقه‌ای برای اولیاء صحبت کنند .
- ۳ - پذیرائی با آب ، چای ، شیرینی
- ۴ - توزیع کارنامه در هرثلث

به همه کارمند هستند .
 به کلاس درس می شود اطلاعاتی به دانش آموزان داد ولی در مواردی دانش آموزان را بایستی به کارگاه یا کارخانه یا مزرعه برد .

گردش علمی

بعضی گردشهای علمی را می توان در کارگاهها، کارخانهها، و محل کار اولیاء شاگردان قرار داد، اینکار باید با هم آهنگی مدیر و ولی کودک و همراهی یک یا چند نفر از معلمان انجام گیرد. باز دیدگاهی که از کارخانه ها انجام می شود، معلومات سودمند، جامع و فراموش نشدنی در اختیار دانش آموزان قرار می دهد .

اگر قرار باشد که دانش آموزان ضمن مشاهده از آنچه دیده و شنیده اند یاد داشت هم بردارند و بعد از برگشتن به مدرسه این یادداشتها را مجدداً در کلاس با معلم طرح کنند و مجدداً " بطور کامل بنویسند، در جای خود تمرین بسیار ثمر بخشی خواهد بود. زیرا علاوه بر ارزشهای علمی به دروس فارسی، املا و انشاء نیز کمک می شود .

بازدیدار دامداری، مرغداری، مزرعه کارخانه درودگری، کارخانه پارچه بافی و نژاد آنها باعث توسعه تفکر شاگردان است، و از همان سطح دبستان این بازدیدها قابل انجام است. اگر مدرسه راجعه کوچکی بدانیم که این اصطلاح بسیار با معنی است، آنرا فقط از طریق همکاری با اولیاء می توان تحقق داد، و مدرسه را برای شاگردان در حکم خانه دومشان، زیبا و دلپذیر نمود .

حشر و نشر با اولیاء هر قدر بیشتر باشد محیط مدرسه برای دانش آموزان پرثمرتر

اینک مدرسه جایی است که مجمع فرزندان بسیاری از این صاحبان مشاغل می باشد .

بعضی از اولیاء که صنعتگر یافتنی هستند می توانند در زمینه کار خودشان برای شاگردان مدرسه سخنرانی کنند، و اطلاعاتی به آنها بدهند. اینکار مستلزم آنستکه مدیر ارشخص مورد نظر که خودش اعلام آمادگی می کند دعوت بعمل آورد و برای او جلسه یا کلاسی تشکیل بدهد، و شاگردان را به تناسب سطح تحصیلی و استعداد فراگیری گسرد آورد. در اینگونه جلسات که در جای خودش کلاس غنی و پرفیضی است، مکانیک درباره ماشین، زارع راجع به زراعت، کارمند بانک راجع به مبادنه پول، پزشک راجع به بهداشت و کمکهای اولیه رنگرز راجع به رنگها می توانند صحبت کنند. مدرسه می تواند ماهی یکی دو بار از اینگونه دعوتها و سخنرانیها برای پاره ای از کلاسها ترتیب بدهد .

مدارس چون با چنین برنامه هائی همگی شان انس ندارند، با خواندن این بخش از مقاله شاید گرفتار تردید شوند که چطور ممکن است کلاسها را برهم زد یا تعطیل کرد و این گونه سخنرانیها ترتیب داد. پیشنهاد فوق این نیست که کلاسها بهم بخورند یا تعطیل بشوند، بلکه این جلسات را می توان در خارج از وقت رسمی و موظف تشکیل داد .

هر معلم با توافق مدیر و جلب موافقت یکی از اولیاء آماده برای سخنرانی، او را به کلاس خودش دعوت کند. و او اگر ابزار و وسائل قابل نقل و انتقالی دارد با خود به کلاس درس بیاورد .

در ارائه کارهای فنی گاهی با آوردن وسائل

پدران برای هدایت پسرها مخصوصاً " در آستان بلوغ و جریان آن صلاحیت بیشتری دارند. پدران اگر با اولیاء مدرسه در رابطه با آگاه کردن نوجوانان از مسائل و مشکلات بلوغ مشورت نمایند اثر تربیتی بیشتری می شود.

اگر خانه و مدرسه هر دو از راهنمائی نوجوان در مسائل جنسی غفلت کنند با احتمال زیاد نوجوانان در این مسئله بسیار گرفتار می شوند و چه بسا که وقت خود را ابطال می کنند و سخنانی با همکلاسیهای خود مطرح می کنند که بدآموزی دارد.

حساسترین مسأله های تربیتی همین مسأله بلوغ است، و معمولاً محل بروز و نمود آن سنین راهنمائی است.

خصوصیات اخلاقی و شخصیتی مادران

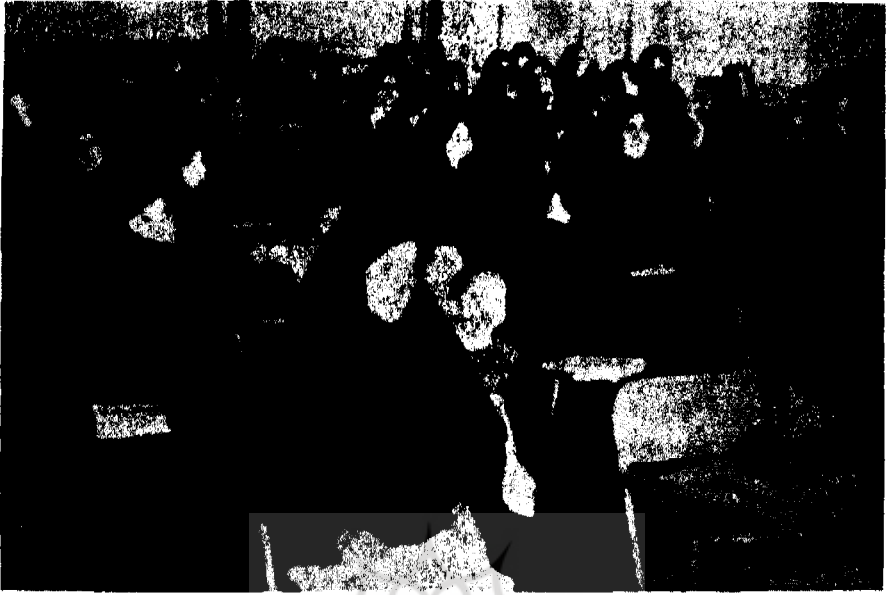
با توجه به چگونگی رفتار مادران نسبت به فرزندان، می توان آنها را برپایه ضوابطی چند

صلاحیتهای پدر و مادر در هدایت پسرودختر

بطور کلی بچه ها به مادرشان بیشتر اتکال دارند. علت آن اینستکه دوسه سال مستقیماً در آغوش مادر جای داشته اند و مادر به غذا و لباس و نظافت و جای خواب بچه اش رسیدگی کرده است. سبب دیگر حوصله و مهربانی و علاقهای است که مادران به فرزندشان حتی تا بزرگسالی نشان می دهند.

مادر، اختصاصاً در دوران بلوغ صلاحیت بیشتری دارد که دختر خود را راهنمائی کند و در باره تحولات دوران بلوغ اطلاعات لازم را به او بدهد، دراینکار اگر با معلم مدرسه مشورت کند، چون معلم هم در مدرسه با طرز رفتار دختران آشناست، بهتر می تواند ارشاد نماید، و از مخاطرات احتمالی که ممکن است برای نوجوانان پیش آید جلوگیری نماید.





هـ - موافق دین اما فاقد خصیصه عبادت و حفاظت از شعائر دینی می باشند.
 در فواصل هر کدام از اوصاف فوق می توان نگرانی دیگر را هم شناسائی نمود.

اینک مدرسه با فرزندان چنین مادرانسی روبروست، مسلماً "فرزندان تحت تأثیر شدید مادرشان هستند، و خصائص هر مادری در رفتار کودکانش متجلی است.

مدرسه اگر بخواهد، شخصیت بچه ها را تعالی و تحکیم بخشد، آنان را عضو مفیدی برای اجتماع بیورواند، دارای نگرشی مساعد نسبت به کشورشان کند، ناگزیر است به مادران این کودکان که هر کدامشان بنحوی رفتار می کنند آموزش مناسب بدهد.

محمد حسن آموزگار

طبقه بندی نمود. از جمله بر اساس شغل (خانه دار، کارمند، شغل آزاد) و یا میزان سن (جوان، میانسال) و نیز بر پایه سکونت در شهر یا ده و نظایر اینها.

یکی از این ضابطه ها را می توان خصوصیات اخلاقی و مذهبی قرارداد. بر این اساس مادران دارای خصوصیات زیر هستند:

الف - خوش گذران هستند، در پی لذت و تفریح می باشند، در خانه کم درنگ می کنند و اهل گردش اند.

ب - خانه دار و علاقه مند به محیط خانه و بچه داری هستند، در طبخ غذا مهارت دارند تمیز بوده و مراقب کودکان خویشند.

ج - لاقید در برابر فرائض دینی، بی احساس اهل دنیا و پول و تفاخر هستند.

د - دیندار، اهل نماز و عبادات و طاعات مراقب حلال و حرام، صادق و امین می باشند.



توجه داشته باشند که اساساً "شاهکار نظام خلقت انسان است. در این انسان عالیترین سرمایه‌ها به ودیعت گذاشته شده‌است. و هیچ موجودی نمی‌تواند با انسان برابری و همانندی کند. بنابراین هرگز او را تحقیر ننموده، فاقد ارزش ندانیم. و اگر کسانی وجود دارند که دچار پانس و ناامیدی شده‌اند با تبیین ارزشمندیهایی انسان روح امید و ابتکار را در آنان زنده‌سازیم.

مجید رشید پور



روحي پرتوان و پرقدرت هستند. بدیهی است که این توان و قدرت معلول تلاش و کوشش مداوم و مستمري است که کودکان روستائی از آغساز خردسالی درگیر آن می‌باشند. کودکان روستاها از همان آغاز به‌مراه پدران و مادران خود بمرزعه و باغ رفته بکار و تلاش می‌پردازند و همی کار و فعالیت‌ها روحیه‌ای مقاوم و شکست‌ناپذیر در آنان بوجود می‌آورد.

یکی دیگر از روشهایی که روحیه اعتمادبنفس را در کودکان پرورده می‌سازد مواجه کردن کودکان با مشکلات و دشواری‌های فکری است. یعنی در فرصت‌هایی بزرگترها سعی کنند مشکلاتی را سرراه کودکان خردسال خود قرار داده از آنها بخواهند تا به حل آن همت بکنارند. بدیهی است وقتی کودکی موفق به حل مشکل گردد در عمق جان خود احساس رضایت مندی نموده به‌خود و فکرش اعتماد خواهد یافت. معلم واقعی کسی نیست که بخوبی و کمال درس رابه شاگردان انتقال دهد، بلکه معلم واقعی کسی است که بتواند کودک و شاگرد را از دوره ناتوانی وضعف به مرحله توان و قدرتمندی رهنمون سازد. و این حقیقت وقتی تحقق می‌یابد که معلم‌معماها و مشکلاتی را برای شاگردان مطرح کرده از آنان بخواهد پاسخ‌خواه‌واره‌حلهایی مناسب را بیابند.

بدیهی است برخی از کودکان پس‌ازاندیشه و تفکر به پاسخ دست یافته جواب و راه حل را خواهند گفت، اینجاست که معلم با تشکر و امتنان از آن شاگردان عملاً "در روح و روان آنان روحیه اعتمادبنفس را بوجود خواهد آورد. پدران و مادران و معلمان باید باین نکته